



## قسمت علمی

### دانش من مدارس برای تربیت جوانان کافی نیست!

عامه مردم مخصوصاً اهالی مملکت ما مقصود از تعلیمات را تربیتات و اساسی می پندارند که برای تربیت اطفال و جوانان در مکاتب و مدارس در نظر گرفته شده و بنا بر این برای اینکه تعلیم جوانان بعمل آید و تحصیل معلومات محتاج به امروزه و ضروریات کنونی آنان میسر شود تصور می کنند کافی است مدارس مختلفه داشت و کتب درسی تالیف و تصنیف نمود و معلمین و متخصصین ایجاد کرد و خلاصه آنکه تمام مایحتاج تدریس را فراهم ساخت

اما نه چنین است و موضوع تعلیم و تربیت باین سادگی و اختصار نیست مقصود از تعلیم عامه بیش از آن مهم و مبسوط است که در بدو امر هر کس تصور آن را مینماید. همین قدر می گوئیم که تعلیمات عمومی مستلزم آن اندازه وسائل و تربیتاتست که محققین و متفکرین در آن یقین ندارند هیچگاه با ایجاد تشکیلات کامله رضایت بخش برای ایفای بمرام و مقصود موفق آیند که ممالک غرب مسئله تعلیم یکی از شعب مهمه علوم بشمار می رود و مربوط به علوم متعدده دیگر از قبیل پسیکولوژی و فلسفه و فیزیولوژی و طب و غیره می باشد با وجود این حتی در این ممالک چنانچه اشاره شد از نتایج حاصله راضی و خوشنود نیستند. با اینکه هر روزه بیش از پیش در تجسس راه نجات و تفحص وسایل اعیاد بخش برای تعلیم جوانان هستند. همان قسم که تربیت حواس عقلانی طفل را منظور میدارند تربیت قوای جسمانی او را نیز از نظر دور نمی نمایند و همچنانکه وسائل پرورش مغز و دماغ او را فراهم می سازند میدانی هم برای جولان استعدادات یدی و ذوق صنعتی و اختراعی طفل تهیه می نمایند.

اسباب نمو و رشد حس فعالیت او را آماده میدارند تا بازادی اما در تحت تنظیم و تنسیق صحیحی به تواند آن را بکار اندازد بالاخره قسمی می کنند که قوای روحی و اخلاقی طفل و احساسات عالیّه

نوع پرستی و انسان دوستی و تعاون و تعاضد در نزد او بلا مانع بسط و پرورش یابد و مدارج ارتقاء به پیماید .

در نزد اروپائیان بخوبی مشهود و محسوس گشته است که تعلیمی که در مدارس از روی کتب داده شود و آلت و مقصود آن فقط بکار انداختن حافظه و دراکه طفل باشد تعلیمی است بی اساس و نه تنها مفید نیست بلکه بغایت مضر است زیرا عوض اینکه مردانی بیار آورد که در عرصه کار زار و بهر که زینکائی امروزه قابل خود آرائی و مقاومت باشند اشخاص ضعیف النفس و فاسد بعمل خواهد آورد که غالباً حسن اقدام و ابتکار از وجود آنها محو و نا بود گشته و اراده و شعور فطری و جبلی آنها از میان رفته نه فعالیتی دارند و نه اثر وجودی بظهور میرسانند اهالی اروپا چون باین حقیقت پی برده اند اساس جدیدی برای مدارس خود طرح کرده اند و همیشه در اصلاحاتی که بجا آورده اند تخفیف بر کرامهای مکاتب و ایجاز و اختصار مواد تدریسیه مدنظرشان بوده و همواره سعی وجهد بلیغ مبذول داشته اند که :

مبنای تعلیم را تجربیات و مشاهدات قرار دهند نه اینکه بطور سطحی و تلقینی تعلیم نمایند بعلاوه برای اجرای ضروریات فوق الذکر وسائلی فراهم و ایجاد نموده اند از قبیل تاسیس موزه های مدرسه و تاریخی و مستظرفات که مرتباً شاگردان بدانجا رفته و از آنها استفاده می نمایند . همچنین تشکیل گردش و تفرجات علمی برای متعلمین میدهند تا در هوای آزاد طبیعت اسرار آنرا دیده و با دیده عبرت عظمت و کبریای خلقت را از نباتات صغیره و ریاحین کوچک تا کرات عظیمه کسب دوار مشاهده نموده بند گیرند .

باینها هم قناعت نکرده جدیداً توجه مخصوصی بجانب تربیت جوانان معطوف داشته اند . مثلاً تشکیل بازیها و درسهای ورزشی و اتحادیه ها برای آنها داده اند - اجتماعات اخیره باسم ( بای اسکوت ) مشهور است و منظور از تمام این تاسیسات و تشکیلات بسط و پرورش قوا و احساسات اجتماعی و مدنی کارگران آینه مملکت یا بطور اجمال تشکیل اخلاق جوانان میباشد .

این مسئله ضرب المثل شده که « بیکاری ام المفاسد است »

اگر باین حقیقت عبارت ذیل نیز اضافه شود که : « تحلیل اعضا و قوا و کسالت منشاء اصلی فساد و خرابی فزاینده است » تمام علل و اسباب آلام و اسقامی را که نژاد جوان کنونی در همه عالم و مخصوصاً در مملکت ما بدان مبتلا است تعیین و در یکجا جمع نموده ایم طفل طبعاً محتاج به تغییرات و اعمال آزادانه قوای دماغی و بدنی خود میباشد و چون وسائل سالمه موافق و متناسب با سن خود را فاقد است مجبوراً باعملی اشتغال میورزد و به خیالات خامی خود را مشغول می سازد که با تقاضای سن او منافی و بنا بر این نتیجه جز اضمحلال و انهدام اخلاقی و جسمانی و عقلانی او ندارد .

آیا از این بدتر چیست که جوانان خرد سال در امور سیاسی دخالت نمایند و اظهار عقیده

ورای کند در صورتیکه هیچ از این مسائل نمی فهمند ؟

از این تحمل ناپذیر تر کدام است که اطفال درصدد چشیدن از جام تلخ ناکوار شهوات و عشق و عواطف دیگر باشند در صورتیکه اگر از ابراز این احساسات خود داری می نمودند و آن را سر مایه سعادت آئینه خود قرار میدادند چقدر بهتر و مفید تر بود ! چه اندازه دایختراش و دردناک است که همین نوباوگان عادت کنند که تمایلات زیاد بمادیات و تعاقب بسیار به پول و دخل نشان دهند و بدین قسم تازگی و طراوت و لطافت ارواح جوانشان برطرف گردد و قلوب نوزادشان خشک و بیثمر شود ! اگر طبقات محصلین دارای علوم اولین و آخرین هم شوند چه نمری دارد در صورتیکه مبتلا بمفاسد و معایب فوق الذکر و گرفتار باین آلام و بد بختها هستند از یک نژادی که با این شرایط داخل حوزه اجتماع می شود و در دایره حیاة قدم میکند از چه میتوان امید داشت ؟ و از این کارکنان آئینه هیئت اجتماع چه چه انتظاری میتوان بخود اجازت داد ؟

پس مبرهن و محقق است که در اینموقع که ادریاء معارف بخیال اصلاحات و تجدید اساس تعلیمات عمومی افتاده اند و ازوم مصارف زیاد تری را در راه تربیت نونهالان حس کرده اند و بمراتب اخلاقی تعلیم پی برده اند بایستی ما هم تمام این نکات و مطالب را در نظر گرفته و با کمال دقت سعی وجد نمایدیم که هوشمندانه در جاده که در آن ملل متمدنه که در راه معارف مدا رجی را پیموده اند طی طریق نموده اند ما هم سیر کرده و از نتایج تجربیات ایشان مستفیض و بهره مند شویم و اقدامات و کارها را کرده اند بارعایت شرایط محیط و مملکت خود بکار بریم .

هر قدر هم در این خصوص توجه معارف خواها را جلب داریم باز کم کرده ایم . لازم است این مسئله را کوشزد و تا کبید نمایم که هوا خواهان تربیت ملت نباید منتظر اقدامات دولت به نشینند عامل و مجری اصلی و اولی این ترتیبات کسانی هستند که مستقیما با نونهالان مدارس مر بوطنند یعنی معلمین و مدیران مدارس باید قدم اول را بر ما برند و فرمان حرکت دهند . بیش قراولان این سپاه همان کسانی هستند که عمر خود را وقف و ثار تعلیم اطفال نموده اند و سرنوشت خود را فدکاری در اینراه قرار داده اند مبادرت باین عملیات وظیفه و حق آنها است چه که آنها قادرند و بر ایشان فرض است که با احتیاجات و مقتضیات سن و احوال جوانان پی برند .

مناصفانه باید اعتراف نمایم که تا بحال قدمی در این راه بر داشته نشده و در مملکت ما که مقدار کثیری آثار عتیقه بموزه های اروپائی هدیه و ارمغان داده هنوز در صدد این بر نیامده ایم که نمونه های نادری را که اتفاقا از چنگال دلا لاین بدر رفته و در تصرف ملت مانده از خفایای قصور بیرون آور ده و در معرض انظار عامه به نهیم . ناچه رسد باینکه آنها را بدست رس اطفال قرار دهیم .

با وجود اینکه دامنه آثار ادبی ما که از حکایات و قصص تاریخی روایت می نماید بنهایت وسیع است هیچ مولف و نویسنده هنوز بخیال این نیفتاده که از این آثار تالیفاتی ترقیب دهد که اطفال مدارس ما بتوانند از آن استفاده نمایند .

همچنین در کتبی که ترجمه شده هیچوقت منظور نظر محصلین مدارس نبوده اند مثلا تا بحال بفکر کسی  
 خطوط نکرده که اقلای قسمتی از تصنیفات (ژولورن) و یا (ولس) و نویسندگان نظیر آنها را  
 ترجمه نماید تا آنکه ذوق و تعلق بمسائل علمی در مغز جوانان مایجاد شود. با وجود تمام این لایقیدی هاتمجب میکنم که:  
 جوانان مدارس ما پس از آنکه تحصیلات خود را خاتمه دادند آرزوئی پیدا رند جز اینکه در  
 محیط فاسد ادبیت داخل شوند و منتهی آمالشان این باشد که بو سائل حقو کافى تحصیل نمایند  
 تا بتوانند ظاهرا خود را بیازایند. عجیبی نیست اگر پس از خروج از مدرسه جوانان ما کتاب و  
 درس را دشمن میدانند و قرائت و مطالعه را عذاب و عقاب می پندارند: تفریح و مشغولیاتشان  
 فقط بازی کتبخانه، ورق و خوردن شراب و عرق است و صاحب و مونسشان تنها کسانی هستند  
 که عدمشان بوجود مرجع است.

خیر جای تعجب نیست که میل و ذوق کار و تحصیل و تفحص و تفرس و اطلاع باحوال و اوضاع و  
 تغییرات عالم ابداء در نهاد آنها وجود ندارد هیچ جای شکفت نیست اگر هر روزی که میکرد  
 جوانان ما بفرقاب ضلالت و جهالت که بالاخره در آن غوطه ور خواهند شد نزدیکتر میشوند!  
 ملاحظه فرمائید که استعداد فطری و ذکاوت جلی جوانان ما فوق ندارد پس به بینید که این تقدیر  
 غم انگیزی که پای گیر آنها میشود بچه اندازه دلخراش و المناک است!

شرح این احزان و این خون جگر این زمان بگذار تروزدیکرما در اینجا خواستیم فقط گوشه  
 حجب را از روی این حقایق حزن آور بر داریم و مجملی از مفصل این وضعیت درد ناک مذکور  
 داریم تا بمعرض شهود و ثبوت رسانیم چه مسؤلیت بزرگی را مدیران و مربیان و حامین مدارس  
 ما عهده دار هستند و چه وظایفی بطبقه منورالفکر ملت تحمیل است و تمام کسانی که تعلق و دلبستگی  
 بامر مهم تعلیم و تربیت ابناء وطن دارند چه فرائضی بر ایشان مترتب است

علاوه بر مدارس ما کتابخانه ها و قرائت خانه ها لازم داریم که مرکب از کتبی باشد که مخصوصا  
 برای جوانان ترتیب و تالیف شده باشند و ذوق و میل باطلاع و تحقیق مسائل علمی را در آنها ایجاد نماید  
 و عواطف و احساسات علیه نوع برستی و وطن دوستی را در آنها خلق کند. موزه های مدرسه و  
 موزه های علوم طبیعی و تاریخی باید برای جوانان زمان ناسیم نماییم تا حس تحقیق و تدقیق در  
 نزد آنها ظاهر شود و بسط و پرورش یابد. وسائل تفریح سالمانه برای آنها باید فراهم سازیم  
 و مشغولیات صحیح و خوب تدارک نماییم. تا از مخاطرات عظیمه فساد اخلاق ایمن مانند  
 مختصر آنکه در داخل و خارج مدرسه درمادام تحصیل و بعد از فراغت از آن بیشتر از اینها بفکر جوانان  
 خود باشیم. هر چه زود تر باید شروع باین اقدامات و عملیات نمود زیرا وقتیکه کاری شروع  
 شود نصف آن کار انجام یافته

بلی با اطمینان خاطر شروع باقدام نمائید و یقین داشته باشید توجهات مخصوصه مقامات  
 رسمی و عواطف عامه معین و پشتیبان شما خواهد بود

کاسپار ایسکیان  
 ترجمه ا. اشرف